

آفت‌های زبان

۱۱

۱. انسان را طریق سخن گفتن چه کارهایی را انجام می‌دهد؟

توانایی سخن گفتن یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند به انسان است. ^۱ج۱ انسان از این طریق، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، ^۲نیازها و درخواست‌هایش را بازگو می‌کند، ^۳با دیگران مشورت می‌کند، ^۴احساسات خود را بیان می‌کند و ^۵دیگران را راهنمایی می‌کند. ^۶ج۱
از سوی دیگر، انسان گاهی نیز با سخن گفتن دیگران را اذیت می‌کند، دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و گناهان متعددی را مرتکب می‌شود.

در واقع، سخن گفتن شخصیت درونی انسان را آشکار می‌سازد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ج۱ هنگامی که سخن می‌گویید شناخته می‌شوید؛ زیرا انسان زیر زبان

خود پنهان است. ^۱ج۱

۲. آیا علی علیه السلام در باره‌ی مشخص شدن شخصیت انسان با سخن گفتن چه می‌فرماید؟



به نظر شما، نعمت سخن گفتن چه تأثیری در زندگی انسان در این دنیا و جهان آخرت دارد؟

آیا همه از نعمت سخن گفتن به درستی استفاده می‌کنند؟

۳ تأثیرات خطرناک زبان بر سعادت است که از راه‌هایی انجام می‌شود.

ما در ادامه این درس، به بررسی برخی از **گناهان زبان** می‌پردازیم که می‌تواند تأثیرات خطرناکی

بر سعادت انسان داشته باشند و از سوی دیگر ترک آنها و آلوده نشدن به این گناهان موجب **رستگاری**

و دست یافتن به بهشت زیبای خداوند می‌شود: **ع ۱۳** درد عکوبی چه عذاب‌های دنیوی دارد و آخر کار دارد؟

ع ۱۴ (۱- دروغ گفتن): در سال پیش دانستیم که **دروغگویی** علاوه بر اینکه عذاب الهی را در روز

جزا در پی دارد، در همین دنیا نیز سبب از بین رفتن اعتماد دیگران نسبت به فرد و تنهایی او می‌شود. **ع ۱۵**

ع ۱۵ (دروغگو یا می‌خواهد به وسیله دروغ چیزی را به دست آورد یا قصد دارد خودش را از مشکلی

رهایی بخشد. فرد دروغگو در این حالت فراموش می‌کند که هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خداوند نیست

و تا او نخواهد هیچ سود و ضرری به کسی نخواهد رسید. **ع ۱۶** و خوردن عکوب چه چیز را فراموش می‌کند؟

نکته مهمی که باید به آن توجه کنیم این است که گاهی افراد بدون آنکه خودشان متوجه باشند

دروغ می‌گویند؛ مثلاً به دلیل علاقه‌ای که به فرد دیگری دارند، در تعریف کردن از او زیاده‌روی می‌کنند،

یا به سبب دشمنی که با کسی دارند، بدون اینکه حواسشان باشد، از سر دشمنی و کینه دروغ می‌گویند،

در تمامی این موارد افراد با دروغ خود را در معرض گناهان فراوانی قرار می‌دهند. ✓

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: **ع ۱۷** اما حسن عسکری در جاره دروغ گفتن چه می‌فرماید؟

ع ۱۸ زشتی‌ها همگی در خانه‌ای جمع شده‌اند که کلید آن دروغ است. ***ع ۱۹**

اثمه بابویه همواره تأکید داشته‌اند که **دروغ گفتن** موجب **تابودی ایمان** می‌شود و انسان را از

هدایت الهی محروم می‌سازد. همچنین دروغ، حافظه انسان را ضعیف می‌کند و به قول مشهور،

«دروغگو کم حافظه است». از سوی دیگر **عادت** به دروغ گفتن، موجب فقر و تنگدستی انسان نیز

می‌شود؛ چرا که برکت از زندگی انسان می‌گریزد. **ع ۲۰** عادت به دروغ سبب چه چیزی می‌شود و چرا؟

کسی می‌تواند **دروغ گفتن** را ترک کند که همواره **قبل** از سخن گفتن به عواقب گفتارش بیندیشد.

همچنین در ترک عادت زشت دروغ گفتن، دوری از کسانی که دروغ می‌گویند، تأثیر فراوانی دارد.

بیشتر بدانیم

تعارف دروغین

گاهی برخی افراد در تعارفات به دروغ، مطلبی را می‌گویند و تصور می‌کنند چون تعارف است اشکالی ندارد؛ مثلاً وقتی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کنند، درحالی که واقعاً دوست دارد از آن غذا بخورد می‌گوید: «میل ندارم» گاهی هم فقط از روی عادت، از دیگران دعوت‌های بی‌مورد می‌کند و چیزی را به آنها

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳. * روایت حفظ نمود.

تعارف می کند. در صورتی که انمه ^ع این شیوه رفتار را تأیید نمی کنند :

اسماعیل بسر امام صادق ^ع می گوید :

به همراه پدرم به طرف منزل می آمدیم و یکی از اصحاب نیز همراه ما بود و با ایشان صحبت می کرد. وقتی به خانه رسیدیم پدرم با او خداحافظی کرد و داخل خانه شدیم.

به ایشان گفتم : بدرجان، بهتر نبود او را دعوت می کردید به خانه بیاید؟

امام فرمود : اکنون در وضعیتی نیستم که بتوانم از او پذیرایی کنم.

من گفتم : اما اگر تعارف می کردید او هم واقعاً نمی آمد.

امام فرمود : بسم، من نمی خواهم خداوند مرا از گروه تعارف کنندگان دروغین به شمار آورد.

۱. تفکر علی مرتضی در باره غیبت چیست؟
*** درد داغ چه کاری را انجام می دهد؟

ح ۲- غیبت کردن؛ بدگویی پشت سر دیگران و آشکار ساختن عیب های آنان یکی از بزرگ ترین

گناهان نزد خداوند است که عذاب سخت الهی را در پی دارد. ^ح برخی از مردم به اشتباه گمان می کنند

که سخن آنها وقتی غیبت به شمار می رود که آنچه درباره دیگران می گویند، واقعیت نداشته باشد، در

صورتی که اگر آن مطلب واقعیت نداشته باشد هم تهمت و هم دروغ می شود. ^ح اما نکته اصلی این است

که حتی وقتی ما با چشم خودمان هم چیز ناپسندی را از کسی می بینیم، حق نداریم آن را برای دیگران

بازگو کنیم.

۲. قرآن کریم درباره غیبت کردن چه

اهل ایمان چه می فرماید : ^ح اهل ایمان چه می فرماید ؟

یا ایها الذین آمنوا ... ^ح ای کسانی که ایمان آوردید ...

و لا یفتب بعضکم بعضا

و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند

ایحِبُّ اَخذکم ان یتکل لحم اخیه میتا

آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر

مرده اش را بخورد؟

فکر هشوه

همه شما از این امر کراهت دارید

واثقوا الله

و از خدا پروا کنید،

ان الله ثواب رحیم

که خدا توبه پذیر مهربان است ^ح ۱

به نظر شما چرا غیبت کردن جزء گناهان بزرگ محسوب می‌شود و بسیار نهی شده است؟
در اسلام توصیه فروانی به برادری، مودت و صمیمیت می‌شود؛ بنابراین، **تعاون و رفاقت** میان مسلمانان اهمیت بسیاری دارد و هرکاری که سبب جدایی و دشمنی میان آنان باشد **حرام** است.

وقتی افراد دربارهٔ همدیگر غیبت می‌کنند، کینه و ناراحتی نسبت به یکدیگر را در دل خود می‌پروراند و دیگر نمی‌توانند مانند گذشته با هم دوست و متحد باشند. کسانی که به غیبت گوش می‌دهند نیز دیگر نمی‌توانند مانند گذشته به فردی که درباره‌اش بدگویی شده اطمینان داشته باشند. از این گذشته، کسی که اشتباهی کرده و دوست ندارد دیگران آن اشتباه را بدانند، ممکن است به زودی کار اشتباهش را جبران کند؛ اما همین فرد اگر بداند که همه از عیب‌های او با خبر شده‌اند و دیگر کسی به او اعتماد ندارد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند تا اشتباهش را ترک کند و به این ترتیب، می‌تواند هر

گناه دیگری را نیز مرتکب شود و این یعنی نابودی و هلاکت! **ع** خداوند در سجاوات خود غیبت کرده می‌کند. خداوند در مجازات غیبت‌کننده، کارهای نیکش را به حساب کسی که از او غیبت شده می‌نویسد و توفیق انجام کارهای نیک را نیز از غیبت‌کننده می‌گیرد. **ج ۵**

ح ۱۱ بهترین راه درمان غیبت این است که انسان هیچ‌گاه از عیب‌ها و کاستی‌های خود غافل نباشد، و به جای اینکه در دیگران به دنبال ایراد بگردد، تلاش کند عیوب خود را برطرف سازد. **ح ۱۲**
ع بهترین راه درمان غیبت کدام است؟



اگر در میان جمعی باشیم که از یک مسلمان غیبت می‌کنند، چه مسئولیتی داریم؟

بیشتر بدانیم

غیبت با دهان بسته!

شایسته است توجه داشته باشیم که غیبت کردن همیشه با زبان نیست؛ بلکه گاهی یک اشاره دست، یا صورت، یا تقلید از یک حرکت و رفتار اشخاص نیز می‌تواند غیبت به شمار آید:
روزی زنی کوتاه‌قد نزد پیامبر خدا ﷺ آمد تا از ایشان سوالی بپرسد. وقتی جواب سوالش را از پیامبر اکرم دریافت کرد و برگشت، یکی از حاضران آهسته و با اشاره دست، کوتاهی قد آن زن را نشان داد.
پیامبر رحمت فرمود: تو با این کار غیبت او را کردی.^۱

^۱ المجلس، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۲ رواج کلمات زشت در جامعه سبب چه چیز می شود؟

ج ۳) ناسزاگویی یکی دیگر از گناهان زبان، فحاشی و زشت گویی است. وقتی شخصی نسبت به دیگری فحاشی می کند و نسبت های زشت به او می دهد، ناخواسته بذریکینه و دشمنی را در دل او می باشد. بسیاری از نزاع ها و درگیری ها با یک دشنام آغاز می شود.

ج ۱۲) رواج کلمات زشت و فحاشی در جامعه سبب می شود که حیا از میان برود و زمینه برای افزایش گناهان دیگر فراهم شود. به همین دلیل است که بزرگان دین همگان را از این عمل زشت نهی کرده اند. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: **۱۳ پیامبر اکرم در باره فحاشی و زشت گویی خود فرمود:**

ج ۱۳) خداوند بهشت را بر هر فحش دهنده بد زبان که برایش مهم نیست چه

می گوید و دیگران درباره او چه می گویند حرام کرده است. * ج ۱۳

کسانی که فحش می دهند، معمولاً وقتی این عمل زشت را انجام می دهند که:

– عصبانی می شوند و نمی توانند خشم خود را مهار کنند؛ فحش می دهند و هر قدر این رفتار را تکرار می کنند، در آنان بیشتر به عادت تبدیل می شود.

– قصد شوخی دارند و می خواهند دیگران را بخندانند و از اینکه دیگران از گفته زشت آنان به خنده می افتند، لذت می برند.

البته برخی نیز به دلیل تربیت نادرست، سخنان زشت را به زبان می آورند و این کار برای آنان تبدیل به عادت شده است.

به نظر شما راه درمان بیماری فحاشی چیست؟

علمای اخلاق برای ترک این عادت ناپسند که موجب آلودگی روح انسان و دوری او از سعادت

می شود، راهکارهایی ارائه کرده اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ج ۱۴) – دوری از کسانی که فحش می دهند و عادت به این کار دارند.

– اندیشیدن به اینکه چه کار زشت و ناپسندی انجام می دهند.

– توجه داشتن به اینکه با فحش دادن چه برکاتی از زندگی آنان حذف می شود و در نهایت نیز رستگار نمی شوند. **۱۴) راهکارها علمای اخلاق برای ترک ناسزاگویی را بنویسید؟**

در این صورت است که انسان می تواند با عادت دادن زبان خود به کلمات زیبا و دلنشین و پی بردن به زشتی فحش، برای همیشه آن را ترک کند.

به نظر شما بهترین واکنش در برابر کسی که عادت به فحش دادن دارد، چیست؟

بیشتر بدانیم

همه به او می‌گفتند: «رفیق امام صادق علیه السلام»
 آن روز هم مثل همیشه در راه با امام صادق علیه السلام صحبت می‌کردند که وارد بازار شدند. خدمتکارش نیز پشت سر آنها حرکت می‌کرد. در میانه راه ناگهان برگشت و پشت سرش را نگاه کرد. اما خدمتکارش را ندید. مقداری که راه رفتند دوباره برگشت، ولی باز هم خبری از خدمتکارش نبود. وقتی برای سومین بار پشت سرش را نگاه کرد و باز هم او را — که حواسش به مغازه‌ها بود و کمی غفب مانده بود — ندید خیلی عصبانی شد. کمی بعد وقتی چشمش به خدمتکارش افتاد با خشم دشنام زشتی به پدر و مادر او داد و گفت: «تا حالا کجا بودی؟»

تا این جمله از دهانش خارج شد، امام صادق علیه السلام دستش را به علامت تعجب بلند کرد و بر پیشانی خود زد و فرمود:

سبحان الله! تو به او و خاندانش چنین دشنامی می‌دهی؟ من تو را به تقوا و پرهیزکاری می‌شناختم. اما اکنون معلوم شد که در تو تقوایی نیست.

مرد فوراً جواب داد:

ای فرزند رسول خدا، این مرد اهل سرزمین‌های کفر است و پدر و مادرش نیز اهل آنجا هستند. آنها اصلاً مسلمان نیستند.

